

مارگریت تاچر کی بود؟

چند سال قبل وقتی کہ، هنوز هوش و حواسی داشت خبرنگاری با عصبانیت از او پرسید:

"میراث «تاچریسم» برای انگلستان چیست؟" او جواب داد:

"نیو لیبر! (لیبر جدید)"

«تاچر» مُرد. مرگ بخشی از قانون طبیعت است و از این نظر هر مرگی طبیعی است. اما مرگ برخی افراد کہ تأثیر مثبت یا منفی عظیمی در زندگی افراد یک جامعه نهاده اند، اندکی فراتر از قانون طبیعت در حافظه تاریخی یک جامعه تنیده است و از این نظر قابل اهمیت است. چندی قبل، مرگ «چاویز» میلیونها انسان را در اندوه فرو برد! چرا کہ، «چاویز» تأثیر مثبت چشمگیری در زندگی طبقه کارگر و توده های محروم و زحمتکش ونزوئلا گذاشته است. اما مرگ «تاچر» دقیقاً در مقابل مرگ «چاویز» قرار می گیرد. مرگ «تاچر» در اولین لحظات اعلام آن با هلهله و شادی توده های محروم محلات فقیر نشین لندن مواجه شد و یقیناً طبقه کارگر انگلستان اشکی برای وی نخواهند ریخت.

مارگریت «هیلدا رابرتز» در ۱۳ اکتبر ۱۹۲۵ در «گرانتهام» شهر کوچکی واقع در ۱۵۰ کیلومتری شمال لندن متولد گردید. پدر و مادرش صاحب یک مغازه کوچک خوراکه فروشی بودند، ولی مارگریت ابتدا لیسانس هنر از دانشگاه آکسفورد را دریافت کرد و بعد از آن به ریاست گروه فارغ التحصیلان عضو حزب محافظه کار در دانشگاه آکسفورد انتخاب شد.

در ۱۹۵۱ با «دنیس تاچر» از مدیران ثروتمند صنایع نفت انگلستان ازدواج کرد و از آن پس به «مارگریت تاچر» مشهور شد. حاصل این ازدواج یک دختر و پسر دو گانه گی بود.

وی در سال ۱۹۷۵ به رهبری حزب محافظه کار بریتانیا، برگزیده و چند سال بعد در ۱۹۷۹ با شعار بهبود اوضاع اقتصادی از سوی محافظه کاران نامزد شد و به پُست نخست وزیری بریتانیا رسید و تا سال ۱۹۹۰ در هر دو سِمَت باقی ماند. او تنها زنی در بریتانیا است که، تاکنون دارای این دو پُست به صورت همزمان بوده است.

«مارگریت تاچر» پایه گذار سیاستی بود (تاچریسم) که، زندگی بسیاری افراد را در سرتاسر بریتانیا به نابودی کشاند. اما او را باید در مقام يك جنگ طلب نیز به خاطر سپرد!

حمایت او از بازار آزاد، کاهش خدمات دولتی و واگذاری سازمانهای دولتی به بخش خصوصی، برخی از سیاستهای مشهور او بود که، این سیاستهای وی به «تاچریسم» معروف است.

دوره «تاچر»، تاریک و تلخ بود که، تداوم آن همان موجود کریهی بود که، «بوش پدر و پسر» و نیوکسرواতিستها آنها "نظم نوین" نامیدند. نه فقط در انگلستان بل، در سطح جهان! «تاچریسم» حامی سرسخت دیکتاتورهای مانند «پینوشه» و «سوهارتو» (جنرال خون آشام اندونیزیایی) و امثالهم بودند. جنایتهای عظیمی در این دوره ها علیه بشریت صورت گرفت که، هیچ گاه فراموش نخواهد شد.

نام «تاچر» در کنار «رونالد ریگن و جورج بوش پسر» به عنوان چهره های ضد مردمی و ضد کارگری فراموش نخواهد شد. به ویژه هرچی سرمایه داری بازار آزاد بیشتر چهره کثیف خود را نشان می دهد، تئوریسنها و استراتژیهایشان بیشتر به عنوان منادیان توحش و بربریت آنها، افشاء و شناخته خواهند شد.

«تاچر» در معامله با اقتدارگرایان و دیکتاتورها تردیدی به خود راه نمی داد و نه فقط از کاخ نشینان ارتجاعی آل سعود، بل، همچنین از دیکتاتور چیلی «آگوستو پینوشه» که، با کودتایی نظامی توسط امریکا به قدرت رسیده بود و «صدام حسین» را در جنگ بین ایران و عراق حمایت می کرد. «مارگریت تاچر» به ویژه به خاطر روابط نزدیک با «آگوستو پینوشه» دیکتاتور سابق چیلی که، جنایتها و کشتارهای فراوانی را در کشور انجام داد مورد انتقاد شدید بود. مقامهای رژیم

(پینوشه) در دادگاه به نقض گسترده حقوق بشر، جرمهای کشتار دسته جمعی، شکنجه، آدم دزدی، و سانسور رسانه‌ها متهم شدند. اما «تاچر» یکی از ستایشگران نوع حکومت (پینوشه) بود. شبکه تلویزیونی فرانس ۲۴ در گزارشی پس از مرگ وی اعلام کرد: تاریخ همواره حمایت‌های «تاچر» را از «پینوشه» دیکتاتور چیلی، مخالفت‌های وی را با مجازات رژیم آپارتاید افریقای جنوبی و نیز حمایت‌هایش را از خمرهای سرخ به یاد خواهد داشت.

او از حامیان شدید آپارتاید در افریقای جنوبی بود. در سال ۱۹۸۷ کنگره ملی افریقا ANC را يك سازمان تروریستی معمولی نامید. او گفت: "هر کس خیال کند که این سازمان روزی قرار است اداره افریقای جنوبی را به دست بگیرد در سرزمین خواب و خیال زندگی می کند." او «نلسون ماندلا»، رهبر کنگره ملی افریقا را پس از زندانی شدن تروریست خواند. «تاچر» در آن زمان از رژیم آپارتاید افریقا جنوبی حمایت می‌کرد و بر اساس اسناد موجود «ماندلا» را که، در زمان نخست وزیری «تاچر» در حال مبارزه با رژیم آپارتاید و سیاست‌های تبعیض نژادی بود، یک تروریست خطاب می‌کرد.

«مارگریت تاچر» در ابتدای نظم نوین جهانی قرار داشت که به دنبال پایان جنگ سرد می آمد، و با سقوط شوروی در سال ۱۹۸۹ همراه بود. «تاچر» در سال ۱۹۹۱ پیروزمندانه یادآور شد که، "غرب جنگ سرد را بدون شلیک حتی يك گلوله برنده شد"، اما او نمی دانست که آغازگر نبرد بی پایان‌یست که از آن زمان تا کنون از جانب غرب آغاز شده است.

پیش از آنکه او دفتر نخست وزیری را در سال ۱۹۹۰ ترك کند، در جواب اعتراض‌های گسترده یی که علیه سیاست‌های مالیاتی او در داخل کشور بریتانیا به وقوع می پیوست، مشتاقانه مقدمات اولین جنگ خلیج فارس علیه عراق را در کنار جورج بوش پدر محیا می کرد!

گرچه او از این مقام خداحافظی کرده بود اما تاثیر سیاست‌هایش به جنگی انجامید که طی آن هزاران عراقی کشته شدند! تحریمها، اعلام منطقه پرواز ممنوع بر فراز این خاك، مقدمات آغاز جنگ بعدی با عراق را آماده کرد. نزدیک به ۵۰۰،۰۰۰ کودک عراقی در اثر این تحریمها جان دادند.

از سال ۱۹۹۰ تا کنون، بیش از هر زمان دیگری بعد از جنگ دوم جهانی جهان درگیر جنگ بوده است، و خطرهای جنگ و تروریسم امروزه از آنچه که دهه های متمادی بوده است بیشتر است. نظامیگری وی، حمایتش از معامله کننده گان تسلیحات و جنگ طلبان همه میراثی هستند که از او به جای مانده است.

به محض اعلام خبر درگذشت «مارگریت تاچر»، مخالفان سرسخت وی اعلام کردند که، قصد دارند روز شنبه تاریخ ۱۳ ماه اپریل - با برپایی مراسمی ویژه در یکی از مراکز اصلی شهر - مرگ وی را جشن بگیرند.

به گزارش پایگاه بین المللی همکاریهای خبری شیعه (شفقنا) به نقل از اسوشیتد پرس از لندن: ". . . مخالفان «مارگریت تاچر» که، از ساعاتی پیش در میدان معروف «ترافالگار» در مرکز شهر لندن گرد هم آمده اند، با تقلید صدای جغد و در آوردن صدای تیک تاک ساعت و نیز با سر دادن شعار «عجوزه پیر مرد» خوشحالی خود از مرگ اولین و تنها نخست وزیر زن تاریخ بریتانیا را اعلام کردند. . ."

دیوید کامرون، نخست وزیر فعلی انگلستان از «تاچر» به دلیل «نجات بریتانیا» تمجید کرد و وی را به دلیل «دوباره بزرگ کردن» این قدرت دیرینه استعماری ستود. اظهارات ستایشگرانه یی از سوی «فرانسوا اولاند» و «آنگلا مرکل»، رهبران فرانسه و آلمان نیز سرازیر شد؛ «باراک اوباما»، رئیس جمهور آمریکا هم گفت که، "این کشور یک «دوست ویژه» را از دست داد."

«هنری کسینجر»، وزیر امور خارجه سابق آمریکا و «میخائیل گورباچف»، رهبر سابق اتحاد جماهیر شوروی نیز به دلیل درگذشت «یک شخصیت تاریخی و جهانی» به سوگ نشستند. همچنین «لخ والسا»، رئیس جمهور سابق کشور پولند، از «مارگریت تاچر» به عنوان فردی که، اتحاد جماهیر شوروی و کمونیسم را شکست داد، تقدیر کرد.

انتظار می رود که، چنین ستایشهای اغراق آمیزی از سوی بسیاری از جنایتکاران جنگی بیان شود. اما همین موضوع به خوبی نشان می دهد که، چه گونه تاریخ توسط پیروزمندان و جانیان جنگی عالی رتبه نوشته می شود. «بوش پسر، اوباما، کامرون، اولاند و مرکل» همه باید به اتهام ارتکاب

جنایت جنگی در کشورهایمانند: افغانستان، عراق، یوگوسلاویای سابق، لیبیا، سوریه، پاکستان، سومالیا، مالی، ایران و بسیاری از کشورهای دیگر، تحت پیگرد و تعقیب قرار بگیرند. در عین حال، «کسینجر» با توجه به نقش کلیدی‌اش در نسل‌کشی اعمال شده از سوی امریکا، در جنوب شرقی آسیا و در جریان جنگ ویتنام، اکنون بیش از ۴ دهه است که، از عدالت گریخته است؛ جنگی که، در جریان آن بیش از ۳ میلیون نفر در کشورهای ویتنام، لائوس و کمبودیا سر به نیست شدند.

دولت استعمارگر انگلستان، برای وی که، در سن ۸۷ سالگی درگذشت، یک مراسم تشییع جنازه پرشکوه برگزار کرد. تمجیدها، مدح و ستایشها، تاجهای گل و برگزاری مراسمهای مختلف به خودی خود اعتراف به همدستی و معاونت با یکی از بی رحم ترین و جنایتکارترین شخصیت‌های دوران معاصر است.

«تاجریسم»، سرمایه داری بازار آزاد را به اوج بربریت آن رسانید. بسیاری از حقوق کارگران و مردم را که، با مبارزات گسترده یی به دست آمده بود پس گرفتند. در واقع «تاجریسم» را می توان سرمایه داری وحشی و عریان و برده وار معنی کرد. به کارگران و بخش اعظم جامعه شدیدترین ریاضت اقتصادی و محرومیت تحمیل شد. چند قلم از عملکردهای غیر بشری «مارگریت تاجر» در انگلستان و سایر کشورهای جهان عبارتند از:

- قانون ممنوعیت اعتصاب بدون رای گیری که معنایش محدود کردن حق اعتصاب بود.
- خصوصی کردن بخش انرژی و آب و ترانسپورت و راه آهن که فشار کمرشکنی را به خانواده های کارگری و اقشار پائین جامعه وارد آورد و همچنان نیز ادامه دارد.
- کاهش و بعضاً قطع خدمات عمومی و خصوصی کردن و طبقاتی کردن صحتی و درمان و مدارس و خدمات آموزشی، فروش خانه های دولتی که در اختیار افراد فقیر و بیکار قرار داده می شد.
- باز گذاشتن دست صاحبان خانه ها در تعیین اجاره های نجومی با لغو قانون کنترل بر سطح اجاره خانه ها!
- در دوره «تاجر»، بخش تولید صنعتی در انگلستان تقریباً تعطیل شد و میلیونها کارگر بیکار شدند.

- اتحادیه های کارگری به شدت زیر فشار و محدودیت و تهاجم سیاسی قرار گرفتند.
- او در اوایل دهه ۱۹۸۰ و در کنار رئیس جمهور ایالات متحده، رونالد ریگان یکی از جبهه های جنگ سرد را تشکیل داد که خبر از دور جدیدی از سلاح های هسته یی می داد که ممکن بود در «نمایش جنگ هسته یی» مورد استفاده قرار گیرد.
- سرمایه داری بریتانیا به یک سرمایه داری کاملاً غیر فعال و غیر تولیدی تبدیل شد که، استراتژی محوریش ثروت اندوزی از طریق بازیهای مالی و بیروکراسی اقتصادی و خرید و فروش سهام قرار گرفت. این همان چیزی است که، اکنون در همه جای دنیا و بدتر از همه در انگلستان به بنبست کامل رسیده است و بحران لاعلاجی گریبان آنرا گرفته است.
- شماری از همان روزنامه هایی که، زمانی مبلغ «تاچر» و «تاچریسم» بودند در سالهای اخیر تیتروهایشان "پایان سرمایه داری" بود. روشن است که، سرمایه داری به پایان نرسید و مدتها طول می کشد که، به پایان برسد. اما حقیقت اینست که، سخن گویان این سیستم غیر انسانی سرازیری این نظام را به خوبی احساس می کنند و می توان مطمئن بود که، دیگر کسی این سفاهت را به خرج نمیدهد که، این نظامها را همیشه گی و پایان تاریخ بنامد.
- وی به جای انجام مذاکرات سیاسی با ارجنتاین بر سر مالکیت جزایر مستعمره مالویناس، علیه این کشور اعلام جنگ کرد و بدین ترتیب موجب شد حمایت عمومی از وی که، رو به افول گذاشته بود، دوباره افزایش پیدا کند؛ این گونه بود که، جنگ و خونریزی کمک کرد تا «تاچر» برای بار دوم به عنوان نخست وزیر انگلستان پا به خیابان «داونینگ» بگذارد.
- البته این تنها خارجیها نبودند که، او علیه آنها اعلام جنگ کرد. وی با سیاستهای مضر اقتصادی خود مبنی بر خصوصی سازی، حذف نظارت دولتی، لجام گسیخته کردن نظام سرمایه داری مالی و ارایه امتیازهای مالیاتی به ثروتمندان به بهای فقر قشر کارگر انگلستان، حتی علیه مردم این کشور نیز اعلان جنگ کرد.
- وی که، در یکی از اظهارات معروف خود گفته است: "چیزی به نام جامعه وجود ندارد"، نظاره گر و عامل انفجار شکاف طبقاتی میان قشر ثروتمند و فقیر انگلستان و همچنین موجب تضعیف جدی شرایط زندگی مردم این کشور شد.

- بعد از گذشت بیش از دو دهه از کناره گیری «تاچر» از قدرت، میراث وی توسط دولتهای پی در پی احزاب محافظه کار و کارگر انگلستان بسط داده شده و یکی از عناصر کلیدی در فروپاشی اجتماعی انگلستان در حال حاضر محسوب می شود. خنده دار این است که، «دیوید کامرون»، شاگرد مکتب «تاچر»، ادعا می کند که، آموزگار وی انگلستان را «نجات داده است.» حقیقت این است که، «تاچر» روند غرق شدن کشتی سرمایه داری انگلستان و به طور کلی جامعه این کشور را تسریع کرد. آنچه وی در رابطه با کشتی ارجنتائینی (بلگرانو) (کشتی که، در جزایر فالکلند در حدود سی سال قبل، بنابه دستور «تاچر» با سرنشینانش غرق شد) به همان شکل برای جامعه انگلستان تحقق پیدا کرد.
- «بانوی آهنین» در جریان دور دوم نخست وزیری خود در اواسط دهه ۸۰ میلادی، علیه «دشمن داخلی» اعلام جنگ کرد. منظور وی از دشمن داخلی، اتحادیه شدیداً یکپارچه صنعت معدن بریتانیا بود. تصور کنید که، یک نفر علیه مردم کشور خود اعلان جنگ می کند. اعلان جنگ در حقیقت ناشی از ناپردباری بیمارگونه وی در قبال کسانی بود که، بر حسب قضا در دیدگاههای ایدیولوژیک و نفرت انگیز وی شریک نبودند؛ عقایدی که، از همان زمان هم از نظر فکری و هم از نظر اخلاقی منسوخ بودن آنها روشن شده بود.
- ذهنیت ویرانگر و مخرب «تاچر» موجب شد کارگران معدن در شمال انگلستان در سال ۱۹۸۴ از شدت گرسنه گی و قحطی ناچار به تسلیم در مقابل وی شوند. استفاده وی از خشونت پلیسی همچنین عزم، اراده و حقوق مشروع و قانونی این افراد را در هم شکست. معادن ذغال سنگ بریتانیا به صورت سیستماتیک و قاعده مندی تعطیل شدند، هزاران کارگر معدن شغل خود را از دست دادند و کل جامعه معدنچیان زاغه نشین شدند. تمام این خشونتها و بدبختیها هزینه جنگ ایدیولوژیک «تاچر» علیه قشر کارگر و حقوق سیاسی آنها بود.
- جنگ طبقاتی که، «تاچر» در انگلستان آغازگر آن بود، همچنان ادامه دارد. ثروتمندان ثروتمندتر شده و فقرا نیز بی تردید بیشتر و فقیرتر شده اند. زوال حقوق کارگران و قدرت بی چون و چرای نظام سرمایه داری مشخصه اصلی میراث «تاچر» است و تا به امروز نیز علت اصلی تباهی اجتماعی جاری در بریتانیا بوده است. اما دامنه این میراث ویرانگر اکنون بسیار فراتر از بریتانیاست. ریشه مرض اقتصادی که، امروز همچون طاعون جهان را در

برگرفته، در اندیشه ایده پردازانی همچون «مارگریت تاچر» و «رونالد ریگن»، رئیس جمهور سابق امریکا و رهروانهای آنها (بوش پدر و پسر) پیدا می‌شود.

باید گفت که، میراث واقعی «تاچر»، برخلاف اظهارات دروغین و اغراق آمیز دوستان جنایتکار وی، مربوط به نقش نخست وزیر سابق انگلستان در درگیریهای ایرلند است. لقب «بانوی آهنین» که، در مورد «تاچر» استفاده می‌شود، عموماً با بار مثبت و حتا اشاره ضمنی به عزم و قدرت ظاهری وی به کار می‌رود. اما در حقیقت، شخصیت «آهنین» (تاچر)، مملو از ویژگیهای شریرانه و نحس بود و این واقعیت را می‌توان در سیاستهای وی در قبال مبارزه مردم ایرلند برای استقلال از انگلستان دید. در سال ۱۹۸۱، ده زندانی جمهوری خواه ایرلندی، تحت رهبری یک مرد جوان اهل بلفاست به نام «بابی سندز» بر اثر اعتصاب غذا جان خود را از دست دادند. این مردان که، بعد از ۵۰ روز نخوردن غذای زندان جان دادند، خواستار این بودند که، با آنها همانند زندانیان سیاسی و نه افراد جنایتکار برخورد شود. وی تن به خواسته آنها نداد و ضمن این که، آنها را جنایتکار توصیف کرد، ادعا کرد "آنها خود باعث مرگ خود شدند." برای «تاچر» بی‌احساس و بی تفاوت، اهمیتی نداشت که، «بابی سندز» با رأی هزاران ایرلندی، وارد مجلس بریتانیا شده بود. از نظر «تاچر»، «سندز» صرفاً جنایتکاری مستحق مرگ بود.

- در نتیجه سازش ناپذیری «تاچر» برای گفت و گو در مورد حقوق مردم ایرلند، خشونت در ایرلند شمالی طی دهه آتی افزایش پیدا کرد و بر اثر آن هزاران نفر جان خود را از دست دادند. همانند مناقشه بر سر جزایر مالویناس با ارجنتاین، «تاچر» به جای آغاز یک مذاکره معقول و دو طرفه، گزینه نظامی را انتخاب کرد و طی آن افراد بی‌شماری جان خود را از دست دادند. تکبر و لجاجت چشمان وی را به روی هرگونه گزینه و امکان دیگر بسته بود.
- با شدت گرفتن خشونتها در ایرلند، او سیاست جنایتکارانه تبانی و همدستی با گروههای تروریستی حامی انگلستان را در پیش گرفت. این گروههای آدمکش که، تحت حمایت مالی و تسلیحاتی آژانسهای اطلاعاتی انگلستان بودند، با آگاهی و موافقت ضمنی «بانو تاچر»، طی سالها صدها انسان بی‌گناه را کشتند. این تروریسم دولتی انگلستان بود که، وی فرمان آن را صادر کرد. یکی از قربانیان این سیاست، «پت فینوکین» وکیل اهل بلفاست بود؛ فردی که، بعد از ظهر یک شنبه یکی از روزهای فبروری ۱۹۸۹ توسط یک گروه آدمکش،

جلوی دیده گان همسر و فرزندانش در خانه خود از ناحیه سر ۱۲ بار هدف اصابت گلوله قرار گرفت و جان سپرد.

چی در رابطه با مناقشه بر سر جرایز مالویناس، چی در قبال کارگران انگلستان، چی در قبال جمهوری خواهان ایرلند، چی در مورد قتل و کشتار مردم افغانستان، ایران، عراق و ... «مارگریت تاچر» یک میلیتاریست و ارتش سالار متعصب بود که، همواره برای نیل به اهداف سیاسی خود، به عوام فریبی، خشونت و گرسنه گی دادن متوسل می شد. وی یک فاشیست جنایتکار بود؛ جنایتکاری که، امروز ادعا می شود یک قهرمان ملی است.

منابع:

- به گزارش پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه (شفقنا) به نقل از اسوشیتد پرس از لندن.
- اخبار تلویزیونی پرس.
- سایت خبر سیاسی ایران.
- ویکیپدیا.